جلسه 1488

شنبه 29/07/96

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث در دخول در غیر بود که در قاعده تجاوز مطرح است، که برخی از جمله محقق عراقی و امام قدهما فرمودند دخول در غیر موضوعیت ندارد، وتمام ملاک تجاوز از محل شرعی مشکوک هست.

البته در تطبیق اختلاف زیاد هست، امام قده با اینکه معیار را تجاوز از محل شرعی می دانند، اما در مقام تطبیق دخول در مقدمات جزء لاحق را هم کافی دانسته اند مثل شک در رکوع در حال هویّ الی السجود، یا دخول در عمل مستحب مترتب را کافی دانسته اند مثل شک در قرائت در حال قنوت و یا شک در سلام در حال تعقیب نماز.

بالاتر عرض کنم: امام قده در تعلیقه عروه دخول در غیری و جزئی که در غیر محلش آوردیم، آن را هم محقق تجاوز از محل شرعی می داند.

صاحب عروه سه تا مسئله در فروع علم اجمالی کتاب الصلاة مطرح کرده است: یکی مسئله 17، یک مسئله 45، و دیگری مسئله 61، العروة الوثقی جلد 3/ صفحه 345، 380 و 390.

در مسئله 61 صریحا صاحب عروه فرموده است که: دخول در غیر ولو زائد باشد کافی است، مثال می زند، می گوید: شما اشتباها در رکعت اول تشهد خواندید، شک کردید بعد از تشهد زائد در سجده این رکعت، قاعده تجاوز جاری است. یا اشتباها در رکعت دوم قبل از تشهد قیام کردید، این قیام زائد است، قاعده تجاوز جاری است در بعد از این قیام اگر شک کنید در سجده رکعت ثانیه، با اینکه باید این قیام را هدم بکنید، چون قیام در رکعت ثانیه هست قبل از تشهد، لغو و زائد است، ولکن صاحب عروه فرموده است که اگر شک کنید در سجده این رکعت ثانیه قاعده تجاوز جاری است.

امام در این مسئله با ایشان موافقت کرده اند.

در مسئله 45 صاحب عروه مخالف آن مسئله 61 صحبت می کند، می گویند که: اگر کسی بعد از قیام یقین کرد که سجده ثانیه را فراموش کرده بود، بعد القیام الی الرکعة الثانیة او التشهد قبل الرکعة الثالثة، که داخل در غیر شده که یا قیام است یا تشهد، علم پیدا کرد که سجده ثانیه را فراموش کرده، شک کرد که سجده اولی را فراموش کردم یا نه.

در این مسئله 45 صاحب عروه فرموده اوجه این است که قاعده تجاوز در سجده اولی جاری نیست، تعلیل هم می کند، می گوید: چون این آقا واجب است بر گردد و سجده ثانیه را که می داند فراموش کرده تدارک کند، با برگشتن برای سجده ثانیه محل سجده اولی هم عود می کند.

امام اینجا حاشیه زده اند که: بل الاوجه الثانی، اوجه این است که نسبت به سجده اولی قاعده تجاوز جاری است، برگردد و باید برگردد برای تدارک سجده ثانیه، و لکن شکش نسبت به سجده اولی، شک بعد از تجاوز از محل شرعی است.

در مسئله 17 باز امام قده همین را تکرار کرده اند، ولی صاحب عروه برخلاف مسئله 61 صحبت کرده است.

امام قده در هر سه مسئله طبق یک مبنا پیش رفته اند، دخول در غیر را ولو زائد باشد، لغو باشد، فی غیر محله باشد مجرای قاعده تجاوز می دانند. و جالب این است که می فرمایند: من برای دخول در غیر ارزشی قائل نیستم، مهم تجاوز از محل شرعی مشکوک است، این را هم مصداق تجاوز از محل شرعی مشکوک می دانند.

ولی صاحب عروه مخالف با هم صحبت کرده است، خب در این مسئله 45 فرمود: اوجههما الثانی یعنی قاعده تجاوز جاری نیست، خب این صریحا برخلاف آن چیزی است که در مسئله 61 گفت، که گفت دخول در غیر ولو زائد و لغو باشد کافی است برای جریان قاعده تجاوز. و مثالی هم که زد این بود که تشهد را فراموش کرد در رکعت دوم و قیام کرد، شک کرد در سجده این رکعت، خب این چه فرق می کند با آن فرعی که در 45 گفتید که گفتید قاعده تجاوز جاری نیست؟ جزء ما قبل این قیام معلوم العدم است خب این جزء ما قبل این قیام تشهد باید باشد چون رکعت دوم هستید، تشهد قبل از این قیام معلوم العدم است سجده مشکوک است، در مسئله 61 می گوئید قاعده تجاوز جاری است ولی در 45 می گوئید اوجه این است که قاعده تجاوز جاری نیست.

سؤال وجواب: شما در مسئله 61 گفتید قام قبل التشهد فی الرکعة الثانیة، یعنی می داند بعد از قیام که این قیام فی محله نبود، چرا؟ برای اینکه تشهد نخوانده ام، تشهد قطعا فراموش شده است، ولکن اگر شک بکنی که سجده بجا آورده ام یا نه قاعده تجاوز جاری می شود در سجده. خب در مسئله 54 صریحا گفت: اگر بعد القیام او الدخول فی التشهد یقین کند سجده ثانیه را فراموش کرده است و شک دارد که سجده اولی را فراموش کرده ام یا نه، اوجه این است که قاعده تجاوز جاری نیست در سجده اولی. خب با اینکه طبق فرمایش ایشان در مسئله 61 دخول در غیری که لغو و زائد است موجب قاعده تجاوز می شود و هیچ فرقی با هم ندارند.

در مسئله 17 تعبیر این است که: «إذا علم بعد القيام إلى الثالثة أنه ترك التشهد و شك في أنه ترك السجدة أيضا أم لا، يحتمل أن يقال يكفي الإتيان بالتشهد لأن الشك بالنسبة إلى السجدة بعد الدخول في الغير الذي هو القيام»،در حد احتمال مطرح کرده اند جریان قاعده تجاوز را در سجده، بعد از اینکه داخل در قیام شد یقین کرد که تشهد را فراموش کرده است در دوم، قیام کرده برای رکعت سوم، وشک دارد در فراموشی سجده، فرموده یحتمل اینکه قاعده تجاوز در سجده جاری بشود و الاحوط الاعادة بعد الاتمام.

خب آن فتوا را که در مسئله 45 یک جور فتوا داد و در مسئله 61 جور دیگری فتوا داد، در مسئله 17 در حد احتمال مطرح می کند. امام آنجا هم حاشیه زده اند فرموده اند: قاعده تجاوز در آن جزء مشکوک جاری است.

یعنی امام از کسانی است که معتقد است دخول در غیر ولو غیر لغو و زائد مجرای قاعده تجاوز است، با اینکه می گویند دخول در غیر ارزشی ندارد مهم تجاوز از محل شرعی مشکوک است.

و ما نمی دانیم این چطور تجاوزی است از محل شرعی مشکوک؟ محل شرعی مشکوک مگر مشروط است به اینکه بعد از آن این قیام زائد را بجا بیاوریم، یا قیام زائد مترتب است بر آن مشکوک؟

محقق عراقی که او هم می گوید دخول در غیر مهم نیست مهم تجاوز از محل شرعی مشکوک است، در تطبیقات فرق می کند با امام.

(دقت کنید نقل گذشته ام را تصحیح کنم) ایشان دخول در مقدمه جزء لاحق را می گوید قاعده تجاوز ندارد، چون ما داخل عملی نشده ایم که شرعا مترتب باشد بر مشکوک، شارع نگفته ارکع ثم اهو الی السجود، شارع گفته ارکع ثم اسجد، اتیان منافی محقق قاعده تجاوز نیست، چرا ؟برای اینکه شارع که نگفته عمل منافی مثل احداث حدث بعد از جزء اخیر مثلا باشد. محل ندارد احداث حدث. بله جواز احداث حدث بعد از اتیان به جزء اخیر است، اما شارع محل شرعی قرار نداده برای منافی. ولذا بعد از اتیان منافی شک در جزء اخیر بکنیم گفته قاعده تجاوز جاری نیست.

اما اگر داخل بشویم در تعقیب نماز، یا در وضوء دعاء مأثور بعد الوضوء را بخوانیم، شک کنیم در جزء اخیر. ایشان اینجا فرموده قاعده تجاوز جاری است، چرا؟ فرموده برای اینکه شرط در جریان قاعده تجاوز این نیست که داخل بشوید در غیری که جزء عمل مرکب است. حالا یک بیان این بود که ایشان به اطلاق دلیل تمسک کند.

خب این یک بحثی است که قبلا کردیم و ما مخالفت کردیم و بعدا هم اشاره خواهیم کرد در تطبیقات که دخول در تعقیب نماز موجب تجاوز از محل شرعی جزء اخیر نماز نیست، چون بعد از این تعقیبات هم می توانیم جزء اخیر نماز را بیاوریم.

اما محقق عراقی اینجا خواسته تمسک کند به این فقره موثقه اسماعیل بن جابر که می گوید "ان شک فی السجود بعد ما قام فلیمض"، گفته قیام بعد از سجود جزء نماز نیست، عمل مترتب هست اما جزء نماز نیست، بله اگر وارد قرائت بشوید یا وارد تسبیحات بشوید، آنها جزء نمازند، اما اگر قیام کرده اید هنوز قرائت را شروع نکرده اید یا تسبیحات را شروع نکرده اید در رکعت سوم وچهارم و شک کردید در سجده، داخل در جزء مترتب نشده اید، ولی قاعده تجاوز امام جاری کرد. معلوم می شود که دخول در جزء مترتب شرط نیست، ولو یک عمل مستقل مثل تعقیب بعد از سلام کافی است.

ما این را اشکال داشتیم، گفتیم کی گفته قیام جزء مترتب نیست، کجا نوشته اند که قیام برای رکعت سوم یا چهارم مثلا جزء نماز نیست؟ کجا نوشته اند؟ بله دلیلی نداریم بر جزء بودن قیام، آنی که دلیل داریم این است که قرائت عن قیام باشد قرائت فی حال القیام باشد یا تسبیحات فی حال القیام باشد، اما عدم الدلیل دلیل العدم نیست، شاید قیام هم جزء نماز است. و واقعا هم عجیب است، خب اگر این قیام جزء نماز نیست پس چه جور می گوئید عمل مترتب است شرعا؟ عمل مترتب شرعا علی السجود؟ چون ترتب عقلی را ایشان کافی نمی داند، والا مقدمه جزء لاحق هم ترتب عقلی دارد بر مشکوک. ترتب عقلی را کافی نمی داند، می گوید امر مترتب شرعی باشد ولو جزء نباشد، خب قیام اگر جزء نیست پس چطور می گوئید عمل مترتب شرعا؟ قیام مقدمه قرائت قائما هست، کما اینکه هویّ الی السجود مقدمه سجود است. مقدمه واجب مقدمیتش همه جا عقلیه است.

پس اشکال اول ما به محقق عراقی این است که کی گفته که قیام قبل از قرائت جزء نیست؟ واشکال دوم این است که شما که می گوئید قیام جزء نیست پس چه جور اثبات می کنید عمل مترتب شرعا؟

سؤال: شارع تعیین کرده؟ جواب: شما می گوئید شارع گفته اقرأ قائما سبّح قائما، مثل اینکه گفته صل مع الوضوء، خب وضوء مقدمه صلاة مع الوضوء است، مقدمه وجودیه است، مقدمه عقلیه این حصه است، مقدمه عقلیه صلاة مع الوضوء وضوء گرفتن است، مقدمه عقلیه قرائت قائما قیام است، شما که می گوئید این کافی نیست باید عمل مترتب باشد شرعا.

ویک نکته هم عر ض کنم: واقعا اینها عجیب است، ایشان می گوید شاهد بر این مطلب ما که قیام قبل القرائة و قیام قبل التسبیحات جزء نماز نیست، نتیجه اش این است که که قیام قبل القرائة و التسبیحات جزء نیست برای نماز، نتیجه اش این است که اگر شما قرائت رکعت دوم را فراموش کردی نشسته خواندی، بعد از اینکه قرائت تمام شد یادت آمد گفتی چرا من نماز نشسته خواندم؟ مگر نافله عشاء است؟ محقق عراقی می گوید برخیز اما برای رکوع، اعاده قرائت لازم نیست، چون حدیث لاتعاد تصحیح می کند این نماز تو را. در حالی که قیام اگر واجب بود جزء نماز بود جدای از قرائت حال القیام، باید برمی گشتی وباید قیام قبل از قرائت را تدارک می کردی و بعد برای اینکه ترتیب حفظ بشود قرائت را هم اعاده می کردی.

وواقعا این عجیب است، آقا اصلا قیام هیچ، فدای سرت، خب القرائة قائما مختل شد، حدیث لاتعاد اینجا جاری نمی شود، چون تدارک القرائة قائما امکان دارد، حدیث لاتعاد جایی را شامل می شود که تدارک عمل ممکن نباشد و تنها راهش اعاده کل صلاة باشد، آنجا می گویند «لاتعاد الصلاة»، خب اینجا که این قرائت حال القیام را می توانم تدارک کنم چون فرض این است که وارد رکوع که نشده ام.
تنها توجیه برای کلام محقق عراقی برای اینکه حق ایشان مقداری حفظ شود این است که: ما بعضی از واجبات نماز داریم مثل ذکر در حال سجود، شما بعد از رفع رأس از سجده یادتان آمد ذکر واجب را نگفته اید، می گویند این ذکر شرط صحت سجده نیست، سجده ظرف است برای ذکر واجب، وقتی این سجده را بجا آوردی فراموش کردی ذکر واجب را، دیگر ظرف این ذکر واجب گذشت، اگر بخواهی یک بار دیگر سجده کنی دیگر ظرف این ذکر واجب نمی شود، ظرف ذکر واجب صرف الوجود سجده اولی است، شما صرف الوجود سجده اولی را بجا آوردی با شرائط آن، ظرف بود سجده برای ذکر واجب، اگر فراموش کردی اگر این نمازت ایراد پیدا کند تصحیحش به اعاده سجده نیست بلکه تصحیحش به اعاده نماز خواهد بود، چون سجده که فاقد شرط نیست نماز فاقد یک جزء است که ذکر واجب فی السجود است، اینجا لاتعاد می گوید نه، نمازت را لازم نیست اعاده کنی، ذکر در حال سجود سنت است، بله این حرفی خوبی است. اما این چه ربطی دارد به قیام فی حال القرائة که ما بگوئیم قرائت واجب است مثل سجده و این قرائت ظرف است برای قیام کما اینکه سجده ظرف است برای ذکر واجب؟ اینها خلاف ظهورات روایات است، ظاهر روایاتی مثل «لاصلاة لمن لم یقم صلبه فی الصلاة» یا «الصحیح یصلی قائما» این است که أجزاء نماز باید عن قیام باشد قرائت باید عن قیام باشد، شرط صحت قرائت این است که عن قیام باشد، وشما اگر قیام نکنی در قرائت، خب این جزء نماز که قرائت فی حال القیام است ترک شده است، ولی اگر هنوز رکوع نرفته ای این جزء قابل تدارک است خب تدارک کن، حدیث لاتعاد جاری نمی شود.
خلاصه عرض ما این شد که در دخول در غیر بعضی مثل صاحب عروه در مسئله 61 و امام قده در کل مسائل فرموده اند یکفی فیه الدخول فی الغیر ولو کان لغوا زائدا. که ما به نظرمان این درست نیست.

بحث در تطبیقات دخول فی الغیر به اینجا رسید که گفتیم تارة شک می کنیم در جزء اخیر بعد از اتیان منافی، مثل اینکه شک می کنیم در سلام بعد از استدبار قبله. خب این قاعده فراغ دارد، و قاعده تجاوز هم به نظر ما دارد خلافا للمحقق العراقی. قاعده فراغ داریم چون شک در جزء اخیر وضوء کردیم یا شک در وجود جزء اخیر نماز کردیم بعد الفراغ. به نظر ما قاعده تجاوز هم دارد خلافا للمحقق العراقی.

و اما اگر شک در جزء اخیر می کردیم بعد از دخول در یک عمل مستحب، مثل اینکه شک کنیم در مسح پای چپ بعد از اشتغال به ذکر مستحب بعد از وضوء، یا شک کنیم در سلام بعد از اشتغال به تعقیب. محقق عراقی که در هر دو صورت فرموده اند قاعده تجاوز جاری است. آقای خوئی فرموده اند قاعده تجاوز که جاری نیست چون محل شرعی جزء اخیر نگذشته است، که درست هم می گویند، محل شرعی جزء اخیر نگذشته است. این را توضیح دادیم.
اما قاعده فراغ: آقای خوئی در اصول و در فقه یک مطلبی دارند، فرموده اند: در غیر وضوء و غسل جنابت که ما حرفمان یکی است، در شک در جزء اخیر مادامی که امکان تدارکش هست نه قاعده تجاوز جاری است و نه قاعده فراغ. مثلا شک می کنیم در سلام نماز بعد از تعقیبات، نه قاعده فراغ جاری است نه قاعده تجاوز.

اما قاعده تجاوز جاری نیست، چون شک در جزء بعد از تجاوز از محلش نیست، محلش هنوز باقی است تدارک کن.

اما قاعده فراغ جاری نیست، ایشان فرموده اند چون فراغ محرز نیست، اگر فی علم الله هنوز سلام نداده اید امکان این هم هست که الان سلام بدهید آیا عرف می گوید فرغ من صلاته و مضت صلاته؟ ابدا.

اما در وضوء و غسل جنابت صحیحه زراره مشکل را حل کرده است، در وضوء آقای خوئی در مصباح الاصول هم متوجه این صحیحه زراره بوده، در غسل در فقه متوجه این صحیحه زراره شده است، خب می گوید اگر شک بکنید در جزء اخیر وضوء، در مصباح الاصول تعبیرشان این است که حتی بعد از اشتغال به دعاء مستحب بعد از وضوء، ایشان فرموده ما قاعده فراغ جاری می کنیم، نه بخاطر اینکه عمومات قاعده فراغ هست "فأمضه کما هو" هست، ابدا، فراغ حقیقی رخ نداده یا به تعبیر دیگر مشکوک است چون شاید پای چپ را مسح نکرده ام والان امکان مسح کردن هست، موالات که فوت نشده است و دستم هم خیس است می کشم به پای چپ، فراغ حقیقی رخ نداده است، پس به عمومات تمسک نمی کنیم، بلکه به صحیحه زراره تمسک می کنیم که "اذا قمت من الوضوء وفرغت منه و قد صرت فی حال اخری من صلاة او غیرها أو شككت في شي‌ء مما سماه اللّه عليك وضوئه فلا شي‌ء عليك فيه" به او تمسک می کنیم که می گوید اعتناء به شک نکن، راجع به غسل جنابت هم که به ذیل صحیحه زراره تمسک می کند که می گوید" ان شک فی غسل بعض ذراعه او بعض جسده و قد دخل فی الصلاة فلیمض فی صلاته" که او را قبلا بحث کردیم.

در فقه یک تعلیقه ای دارد بر عروه و یک بحث استدلالی دارد در خود شرح عروه، اینها با هم اختلاف دارد. اما جامعش این است که در شک در ما قبل جزء اخیر، یعنی شک در مسح پای راست مثلا بعد از اینکه مسح پای چپ را کشیدیم، ایشان می گوید قاعده فراغ جاری است، نیاز به فوت موالات یا دخول در عمل آخر نیست.

شک در جزء اخیر یعنی شک در مسح پای چپ، او استثنائا قاعده فراغ دارد ولو قبل از فوت موالات. این را هم در اصول می گوید و هم در فقه. اختلافش سر چیست؟

در اصول گفت: قاعده فراغ ولو با اشتغال به دعای مستحب بعد الوضوء هم جاری است.

اما در تعلیقه عروه گفته است که نه، باید داخل بشود در یک عملی که مترتب است شرعا بر وضوء، یعنی داخل بشود در نماز یا داخل بشود در طواف، یا این را ما اضافه کردیم که مثلا داخل بشود در عملی مثل مسّ کتابت قرآن، والا تا موالات مختل نشده شک بکند در جزء اخیر باید به شکش اعتناء بکند. ایشان تعبیرش این است، بعد از اینکه صاحب عروه گفته: «إن كان الشك في الجزء الأخير من الوضوء فإن كان بعد الدخول في عمل آخر أو كان بعد ما جلس طويلا أو كان بعد القيام عن محل الوضوء»، قاعده تجاوز جاری کرده است در سه صورت: 1- اینکه داخل در عمل آخر بشویم. 2- بعد از جلوس طویل شک کنیم. 3- بعد از قیام از محل وضوء شک کنیم، گفته قثاعده تجاوز جاری است. یک راه دیگر این است که فوت موالات بشود. پس در شک در جزء اخیر در چهار صورت صاحب عروه قاعده فراغ جاری کرده است: 1- بعد از دخول در عمل آخر 2- بعد از جلوس طویل 3- بعد از قیام از محل وضوء 4- بعد از موالات.
سؤال وجواب: صاحب عروه خودش فرق گذاشته، ممکن است اعضاء دستش خشک نشده باشد ولی جلوس طویل باشد.

آقای خوئی حاشیه زده، آنجائی که صاحب عروه می گوید بعد ما جلس طویلا، ایشان می گوید بمقدار تفوت الموالات فیه وفی ما قبله و بعده، می فرماید: دخول در عمل آخر، اما جلوس طویل و قیام از محل وضوء کافی نیست، بلکه یا باید موجب فوت موالات بشود یا در عملی که مترتب بر وضوء است داخل بشویم کالصلاة و نحوها.

در حالی که در مصباح الاصول می گفت: شک در جزء اخیر وضوء مع الاشتغال بشیء آخر مثل مطالعه این مجرای قاعده فراغ است طبق صحیحه زراره. اما در تعلیقه عروه می گوید نه هر عمل آخری، اگر فوت موالات نشده دخول در عمل آخری کافی نیست، باید آن عملی باشد که شرعا مترتب بر وضوء است. در شرح عروه تصریح می کند، می گوید اصلا شک در جزء اخیر وضوء که می کنید همینکه از وضوء برخیزید و داخل در عمل آخری بشوید من صلاة او مطالعة او دخول فی مکان آخر مما یصدق عرفا انه فرغ و تجاوز عن الوضوء، او قاعده فراغ دارد طبق صحیحه زراره، فقط می گوید جلوس طویل اگر موجب فوت موالات نشود او کافی نیست، چون صدق نمی کند دخول در عمل آخر.

خلاصه کل این مطالب آقای خوئی با اختلاف جزئی که دارد این است که: در وضوء دو تا قاعده فراغ داریم: یک قاعده فراغ عام، که مربوط است به شک در ما قبل جزء اخیر، این قاعده فراغ عام دارد، بعد از جزء اخیر شک می کنیم در اجزاء سابقه، این هیچ شرطی ندارد، قاعده فراغ جاری کن ولو هنوز کنار حوض نشسته ای، مسح پای چپت را کشیدی شک کردی در مسح پای راست یا مسح سر، قاعده فراغ جاری است. یک قاعده فراغ خاص هم داریم که از صحیحه زراره استفاده شده است، این است که شک در جزء اخیر بکنیم، ولو فراغ حقیقی صدق نکند فراغ انصرافی کافی است. حالا اختلاف سر این است که باید دخول در عمل مترتب باید باشد مثل نماز، یا مطالعه هم کافی است که داخل در مطالعه بشویم.

**اقول:** شکالی که به آقای خوئی هست این است که: آقا! مگر در صحیحه زراره نگفته "اذا قمت من الوضوء وفرغت منه"؟ شما اگر می گوئید فراغ صدق نمی کند با عدم اتیان به جزء اخیر مگر موالات مختل بشود و امکان تدارک نباشد، خب این صحیحه زراره هم دارد فرغت دیگر، چه فرق می کند بین فراغ عام با این صحیحه زراره؟ خب فرغت منه دارد، فرغت منه صدق نمی کند به نظر شما با امکان تدارک جزء اخیر.

ثانیا: صحیحه زراره که ذیلی دارد، می گوید اذا قمت من الوضوء وفرغت منه وقد صرت فی حال اخری من صلاة او غیرها اگر شک بکنی در غسل اعتناء به شکت نکن، فان شککت فی مسح رأسک و کانت بک بلّة فامسح رأسک. خب شک در جزء اخیر که هیچ شک در مسح رأس هم گفت قاعده فراغ در اثناء نماز جاری نیست، حالا حمل بر استحباب کردیم، حالا شما می خواهید به این صحیحه تمسک کنید که قاعده فراغ جاری است در شک در جزء اخیر بعد از دخول در نماز و مانند آن؟ این خیلی عجیب است.

این اشکالی است که به ایشان هست، تأمل بفرمائید، راجع به این صحیحه زراره ما باید ببینیم همانطور که آقای صدر در تعلیقه منهاج دارد از آن یک مطلب اضافه ای استفاده می شود که شک در ما قبل جزء اخیر هم تا داخل در عمل مترتب نشویم تا داخل در عمل آخر نشویم ممکن است مشکل پیدا کند، مسح پای چپ را کشیدم ولی هنوز نشسته ام کنار حوض، خب روایت می گوید و قد صرت فی حال اخری، نه موالات فوت شده نه داخل در عمل آخر شده ام ونه قیام من الوضوء کرده ام، نشسته ام همانجا، خب روایت ظاهرش این است که قاعده فراغ جاری نیست ولو شک بکنی در اجزاء سابقه مثلا شک کنی در غسل وجه، شک کنی در غسل یدین، ظاهرش این است. آقای سیستانی این مطلب را قبول ندارند، انشاء الله این مطلب را فردا بحث می کنیم و وارد اقسام دیگر دخول در غیر می شویم انشاء الله.